

حزب‌التحریر تهدید رو به رشد نه؛ بلکه دعوتِ خیر و چشم امید امت است

دیده‌بان اروپایی برای رادیکالیسم (European Eye on Radicalism) نوشته‌ی را تحت عنوان: «حزب‌التحریر: تهدید رو به رشد در افغانستان» به تاریخ 27 می 2020 به نشر رسانده است. نویسنده از روش منفعلانه‌ی دولت افغانستان در قبال دعوت حزب انتقاد نموده و پیشنهاد کرده که مقامات افغان باید تهدید حزب‌التحریر را جدی بگیرند؛ زیرا نفوذ حزب در مناطق شهری و دهاتی افغانستان در حال گسترش است و به یک تهدید کلان برای حکومت مبدل می‌شود.

دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر - ولایه افغانستان بعد از مطالعه دقیق نوشته، نکات آتی را پیرامون آن قابل ذکر می‌داند:

نوشته نه به یک تحقیق می‌ماند و نه هم به یک مقاله رسانه‌یی که دارای منابع، مأخذ و نقل قول باشد؛ بلکه نویسنده در یک نوشته پراکنده تلاش نموده تا با آوردن افواها و معلومات ناقص و یک‌جانبه به زعم خودش از خطر حزب هشدار دهد. طوری که نویسنده حتی در موضوعات بسیار ساده و ابتدایی در مورد حزب، دچار خطا شده است.

چنانچه نویسنده در نسخه اول این گزارش نوشته بود که «حزب‌التحریر در سال 1952 در افغانستان تأسیس شده» که بعداً آن را براساس منبعی تصحیح نموده ولی با آن هم سال تأسیس حزب را 1952 نوشته، که هم منبع و هم نوشته تصحیح شده اشتباه می‌باشد. در جایی دیگر ادعا نموده که اگر فعالیت‌های صلح‌آمیز حزب‌التحریر نتیجه ندهد، حزب برای براندازی حکومت افغانستان به جهاد ژو می‌آورد. این دو معلومات ناقص در اول نوشته ثابت می‌سازد که به چه اندازه نویسنده دچار لغزش جدی شده است. حالانکه حزب‌التحریر در سال 1953 در فلسطین بنیان‌گذاری شده و طریقه‌ی آن برای تأسیس خلافت، فکری - سیاسی بوده و استفاده از اهرم‌های خشونت‌آمیز را به‌هیچ طریقه‌ی تأسیس خلافت ردّ می‌کند.

همچنان نویسنده در مورد رابطه‌ی حزب با سایر گروه‌ها نیز دچار اشتباه ژرف شده و به نقل از منابع ناشناس نوشته است: «فعالان حزب‌التحریر برای انجام ترورهای سیاسی با داعش، القاعده، گروه‌های افراطی در پاکستان و طالبان همکاری می‌کنند.» ادعای ترورهای سیاسی تهمت بسیار بزرگ و بدور از شأن و مبارزه مقدس حزب‌التحریر می‌باشد. هر کسی که اندک معلوماتی در مورد حزب و تاریخ مبارزه‌اش داشته باشد، به‌سادگی به بطلان این ادعا پی می‌برد. حزب به سیاسیون و رهبران امت منحیث یک سرمایه عظیم نگاه می‌کند و تلاش دارد تا با دعوت فکری و سیاسی خویش حمایت آنان را جلب نماید. نویسنده بایست بابت این تهمت از پیشگاه الله سبحانه و تعالی طلب مغفرت نموده و از حزب پوزش بخواهد.

نویسنده در بخش دیگری از نوشته‌اش آورده است: «منتقدان این گروه می‌گویند که حزب‌التحریر به عنوان بازوی فرهنگی داعش و سایر گروه‌های جهادی فعالیت نموده و در افغانستان و سوریه برای داعش سربازگیری و جنگ می‌کند.» این ادعا نیز همانند ادعای قبلی از اساس باطل و خلاف واقعیت مبارزاتی حزب در سراسر جهان می‌باشد. حزب‌التحریر از سال 1953 میلادی بدینسو برای ایجاد تغییرات بنیادی در جهان اسلام مبارزه فکری و سیاسی را آغاز کرد که در آن زمان القاعده، طالب و داعش وجود نداشت. همکاری حزب با داعش و سایر گروه‌های جهادی نیز یک اتهام نادرست بوده که از عدم شناخت دقیق حزب منشأ می‌گیرد.

تنها از مواردی که در این نوشته مورد تایید ما می‌باشد اینست که حزب التحریر در افغانستان رو به رشد بوده و هر آن چیزی را که غیر اسلامی باشد مانند: دموکراسی، نظام فعلی و قانون اساسی افغانستان مردود می‌پندارد. همچنان این که حزب ریشه ناپسامانی‌های افغانستان را در "حضور" امریکا و رژیم‌های غربی در این سرزمین می‌بیند.

امروزه مردم مسلمان و مجاهد افغانستان به خوبی درک می‌کنند که چه کسی برای افغانستان تهدید جدی است: حزب التحریر یا اشغال‌گران امریکایی و متحدین اروپایی‌اش؟ دیگر چهره‌ای اصلی تروریسم غربی که در دو دهه‌ی گذشته افغانستان را به "تابوت‌ستان" مبدل ساخته و ارزش‌ها، مقدسات، حریم خانه‌ها و دارایی‌های مردم را با خطر مواجه نموده‌اند، برای مردم فاش شده است.

چنانچه گراف رو به رشد نفرت مردم از اشغال‌گران غربی و دست نشانده‌های شان و گراف رو به رشد محبوبیت حزب التحریر در افغانستان نشان می‌دهد که مردم کدام یکی را تهدید فکر می‌کنند؟ واقعیت‌ها نشان می‌دهد که امت، حزب را در آغوش گرفته و از آن حمایت می‌کند. چون حزب التحریر در پی ایجاد اغتشاش در جامعه و سقوط محض دولت‌ها نیست؛ بلکه حزب برای سلامتی دنیا و آخرت امت اسلامی، از طریق تأسیس دولت خلافت، تطبیق و حمل اسلام به جهان تلاش می‌کند و این امر برای امت ثابت شده است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه افغانستان